نگاهی مستند به بزرگ‌ترین جنایت‌جنگی انگلستان در ایران- ۱۸

فرصت‌طلبی میسیونرهای مسیحی در اوج قحطی

بر فرض که انگلیسی‌ها به مردم همدان غذایی هم می‌رسانده‌اند، این کارشان تأثیر چندانی نداشته است. داناهو خود در این باره چنین می‌گوید: «در حالی که مرگ و میر در اثر گرسنگی در همدان رو به افزایش بود، قیمت نان، اساسی‌ترین و بی‌تردید تنها غذای فقرا، هر من ۱۴ قران (یعنی ده شیلینگ برای کمتر از ۷ پوند) بود و با وجود مخلوط کردن آرد با خاک اره، قیمت‌ها باز هم به جای کاهش رو به افزایش گذاشت. در ۶ می، مک داول کنسول انگلیس، رسماً شمار افرادی را که از گرسنگی مرده‌اند، روزانه دویست نفر محاسبه کرد. همدان شهر وحشت بود. اجساد دفن‌نشده قربانیان قحطی، اعم از زن و مرد و کودک، در خیابان‌ها و اطراف مقرهای انگلیسی‌ها ریخته بود. پیشنمازی که برای خواندن نماز میت و دفن مرده‌های بی‌صاحب حدود دو پنس به او می‌دادند، می‌گفت در نیمه اول ماه می، روزانه یکصد و شصت نفر را کفن کرده است. بازماندگانی که گرسنگی آنها را به پوست و استخوان تبدیل کرده، گیاهخوار شده‌اند و علف‌های روی زمین را مانند حیوانات می‌خورند. به تجربه ثابت شده که تغذیه به این شکل در یک دوره کوتاه‌مدت می‌تواند همانند نخوردن غذا کشنده باشد، زیرا باعث التهاب صفاق شده و مرگی عذاب‌آور و تدریجی را در پی خواهد داشت.»

داناهو سپس به توصیف نمونه‌هایی از آدمخواری می‌پردازد: «اما حوادث بدتری در راه بود. مردم گرسنه که رنج بی‌غذایی آنها را دچار جنون کرده بود، به خوردن گوشت آدم روی آورده بودند. آدمخواری جرمی است که تاکنون در ایران ناشناخته بوده و از این رو مجازاتی برای آن در قوانین این کشور وجود ندارد. مجرمین اغلب زنان هستند و قربانیان، کودکانی که از جلوی خانه‌هایشان ربوده می‌شوند و یا در شلوغی بازار قاپیده می‌شوند. مادران از این که برای گدایی تکه نانی نوزادانشان را تنها بگذارند، می‌هراسند. زیرا ممکن است در غیبت آنان کودکان‌شان ربوده و خورده شوند. هر وقت در بازار یا معابر باریک و پر از چاله چوله راه می‌رفتم، دیدن این همه بدبختی علنی آدمیزاد در آنجا حس ترس مشمئزکننده‌ای به من می‌داد. کودکانی که پوست و استخوان بودند دور آدم جمع می‌شدند و برای لقمه نانی و یا پولی که بتوانند با آن نان بخرند التماس می‌کردند و هنگامی که چند پول سیاه به آنها می‌دادی، نمی‌توانستی این فکر عذاب‌آور را از ذهنت بیرون کنی که شاید سرنوشت آنها هم، دیر یا زود، سر درآوردن از دیگ غذاست.» نظمیه تعدادی خاطی را دستگیر کرده است: «آنها هشت زن را بازداشت کرده‌اند که اعتراف کرده‌اند تعدادی کودک را ربوده و خورده‌اند و عذرشان این بوده که گرسنگی آنها را به چنین جرم هولناکی وادار کرده است.»

داناهو موارد دیگری را نیز توصیف می‌کند: «روز بعد در هشتم می، مورد هولناک‌تر دیگری از آدمخواری کشف شد. دو زن، مادر و دختر، با دستان خون‌آلود دستگیر شدند. آنها دختر هشت ساله‌ای را کشته و مشغول پختن او بودند که نظمیه ادامهٔ این ضیافت وحشتناک را متوقف می‌کند. قطعات نیم‌پختهٔ باقی‌مانده در یک سبد ریخته شده و جماعت خشمگین دمکرات‌های شکم‌سیر، دو مجرم بیچاره را به نظمیه برده و به مرگ تهدید کردند. روز بعد آن دو زن اعدام شدند.» زنان دیگری نیز به خاطر بچه‌کشی بازداشت و اعدام شدند.

قحطی در آذربایجان

کنسول آمریکا در تبریز، گوردون پدوک، در تلگرامی با تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۱۷ این‌گونه گزارش می‌کند: «کمیته امداد از من خواسته گزارش کنم تعداد بینوایان در ارومیه افزایش و کمک‌های ارسالی از دیگر کشورها کاهش یافته است. کمک‌های فوری بیشتری مورد نیاز است.» در ژوئن ۱۹۱۷ پدوک گزارش می‌کند: «کمیته امداد از وجود ۴۰۰۰۰ پناهجو، قیمت‌های بالا و نرخ برابری اندک [ارز] خبر داده است. برای دوازده ماه آینده ۸۰۰ هزار دلار مورد نیاز است. همه پول‌ها خرج شده و ارزاق مورد نیاز باید در تابستان خریداری شود.» در اوت ۱۹۱۷، پدوک گزارش می‌کند تعداد پناهجویان افزایش یافته و پول بیشتری مورد نیاز است: «کمیته امداد درخواست کرده به کمیته آمریکا گزارش شود برای ماه ژوئن ۵۰۰۰۰۰ دلار دیگر نیاز است تا به سی‌هزار تن از پناهجویان کرد مستمند کمک‌رسانی شود تا بتوانند به ساوجبلاغ [مهاباد] بازگردند. از این تعداد هفتاد و پنج درصد بیوه و یتیم هستند. محصول آذربایجان ناکافی است. قحطی تهدید می‌کند. قیمت‌ها رو به افزایش است.» نشریه زبان آزاد، در ۹ اوت ۱۹۱۷ (شماره ۳) گزارش می‌کند در تبریز و ارومیه تعداد زیادی از گرسنگی دارند می‌میرند. قیمت برنج در تبریز به رقم حیرت‌آور خرواری ۱۰۰۰ تومان رسیده است. ارومیه از دولت تهران ۱۰۰۰۰ خروار گندم خواسته تا نان کسانی را که از فقر قادر به خرید آن نیستند، تأمین کند. به علاوه، این روزنامه

*** میسیونرها، گروهی بودند که از جانب کلیسا برای تغییر دین و آئین کسانی که مسیحیان آنها را کفار می‌نامیدند به سرزمین‌های دیگر می‌رفتند تا دین مردمان را به مسیحیت یا یهودیت تغییر دهند. تلاش این میسیونرها در اوج قحطی در ایران قابل تأمل است.**

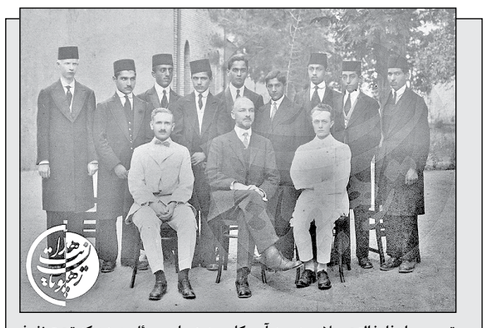

تصویری از فارغ‌التحصیلان مدرسه آمریکایی به همراه سموئل جردن که تحت نفوذ میسیونرهای مسیحی بود.

می‌نویسد که در این مدت مردم در معرض حدود ۳۰۰۰۰ مورد راهزنی و نقض قانون قرار گرفته‌اند و ارتش روسیه نیز در این بی‌قانونی‌ها سهیم است. نامه‌ای از ساوجبلاغ در کردستان، حاکی است ده‌ها هزار نفر از خانه و کاشانه خود بیرون شده‌اند، و در کوه و صحرا همچون وحوش سرگردانند. با نزدیک شدن زمستان آنها به شهر نزدیک شده‌اند. نویسنده می‌افزاید که بسیاری از آنها بیوه‌زنان و اطفالی هستند که پس از کشته شدن شوهران و پدرانشان (به دست روس‌ها)گریخته و در کوه و صحرا با خوردن علف و پوست درخت زندگی می‌کنند. اکنون آنها از کوه‌ها پایین آمده و به شهر نزدیک شده‌اند. اما حتی ثروتمندان نیز نمی‌توانند نان کافی فراهم کنند. هر روز بسیاری از این مردم وحشتزده پای دیوارهای شهر یا ویرانه‌های متروکی که در آنها پناه جسته‌اند می‌میرند.

در ۲۰ فوریه ۱۹۱۸ رابرت ئی. اسپیر، دبیر هیئت میسیون‌های خارجی کلیسای پرسبیتری در ایالات متحده آمریکا، به پیشنهاد کولویل بارکلی، از سفارت انگلیس، نامه‌ای به وزارت خارجه آمریکا نوشته و در آن بخش‌هایی از نامه‌هایی را که میسیونرهایشان از ایران ارسال کرده‌اند بازگو می‌کند. در این نامه‌ها اطلاعات بسیاری وجود دارد. در نامه‌ای با تاریخ اول سپتامبر ۱۹۱۷، کشیش ای. تی. آلن از ارومیه چنین می‌نویسد: «به درخواست حاکم ساوجبلاغ به دیدارش رفتم. این ناحیه از مناطقی است که من سال‌ها پیش، در ۱۸۹۳، از آن بازدید کرده‌ام. این شهر یکی از بزرگ‌ترین شهرهای کردستان است و مرکز مهمی است. فعالیت‌های میسیونری ما در آنجا قابل توجه بوده است. از ارومیه تا این شهر، با کاروان سه روز راه است». این شهر در جریان جنگ چندین بار دست به دست شده بود: «متأسفانه شهر در منطقه جنگی قرار گرفته، کردها به طور طبیعی با برادران خود در آن سوی مرز در عثمانی و بنابراین با عثمانی‌ها همداستان می‌شوند. در روزهای آغازین جنگ، آنها پیروزمندانه از شمال به طرف تبریز و از اطراف دریاچه به طرف ارومیه و سلماس پیشروی کردند. اما مدتی بعد همراه با نیروهای شکست‌خورده عثمانی عقب‌نشینی کردند و ارتش روسیه شهرها و روستاهای آنان را اشغال کرد. سپس نوبت شکست روس‌ها رسید و عثمانی‌ها دوباره بازگشتند. بنابراین، این مناطق چهار بار میدان پیشروی و عقب‌نشینی سپاهیان متخاصم بوده است و این سپاهیان، روس یا عثمانی، در هر بار پشت سر خود خرابی و خسارت عظیمی بر جای گذاشتند. روس‌ها در آخرین عقب‌نشینی خود، کردها را به گمان خیانت، به سختی تنبیه کردند.» سپس نویسنده به توصیف ویرانی‌ها، مرگ و قحطی می‌پردازد:

روستایی ویرانه یافتم. روس‌ها در آخرین پیشروی خود نبرد سنگینی در پی داشتند. بخش بزرگی از شهر ساوجبلاغ و روستاهای مجاور آن تخریب شد. هزاران نفر کشته شدند و اسکلت‌ها را هنوز هم در دو سوی جاده می‌توان دید. آنهایی که کشته نشدند همراه با عثمانی‌هاگریختند و عثمانی‌ها نیز آنان را به مهلکه انداختند. فرار آنها نیز مانند فرار آسوری‌ها در ۱۹۱۵، در زمستان اتفاق افتاد. برف سنگین کوه‌ها را پوشانده بود. بسیاری از برهنگی مردند. داستان فرار کردها بسیار شبیه فرار مسیحی‌ها از ارومیه در زمستان ۱۹۱۵-۱۹۱۴ بود. با این فرق که شمار کردهای فراری بیشتر بود، منطقه وسیع‌تری ویران شد، افراد بیشتری در جنگ کشته شدند، دوران تبعید آنها طولانی‌تر بود و توجیه بیشتری برای مجازاتشان وجود داشت.

اکنون چند ماه است که بقایای فراریان بازگشته‌اند. در عثمانی از آنها استقبالی نشد و گرمای دشت‌های موصل نیز فراتر از تاب و تحمل آنها بود. هنگامی که در زمستان‌گریختند، بسیاری از سرما مردند؛ هنگامی که بهار و تابستان در موصل فرارسید، بسیاری از گرما مردند. از آن شمار عظیم فراری‌ها، شماری اندک، عزادار و تنها بازگشتند و دیدند روستاهایشان ویران شده، اموالشان به یغما رفته و در سرزمینشان غیر از نظامی‌ها کسی نیست. این که چندهزارنفر بازگشته‌اند را به سختی می‌توانم تخمین بزنم. از تبادل نظر با حاکم شهر و دیگر آگاهان و نیز افسران روس، می‌توان تخمین زد که اکنون چهل هزار نفر با گرسنگی روبرو هستند. هفت‌هزارنفر از این تعداد در روستاهای نزدیک ساوجبلاغ و روستاهایی که من از آنها بازدید کرده‌ام، پراکنده شده‌اند. اهالی نیاز شدید ندارند، اما پناهجویانی که در شهر جمع شده‌اند و آنهایی که در جستجوی پناهگاهی در روستاهای ویران شده هستند، اکنون در خطر گرسنگی قرار دارند ... کمیته امداد مسلمانان قفقاز در باکو افرادی را برای تحقیق فرستاده است. آنها حدود یکصدوپنجاه یتیم و بیوه را که در آستانه گرسنگی قرار داشتند در شهر گرد آورده‌اند و آنها را روزانه تغذیه می‌کنند. پول آنها که به روبل است، ته کشیده و احتمال دارد کارشان را دیگر ادامه ندهند. روبل اکنون به کمترین ارزش خود رسیده و تقریباً ارزشی ندارد.

جالب است که در روزنامه زبان آزاد در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۱۷، مکرم‌الملک، حاکم ساوجبلاغ، اظهار می‌دارد ۴۰۰۰۰ آواره و گرسنه در شهر هستند که بیشترشان بیوه زنان و اطفالی هستند که بسیاری از آنها مریض‌اند.

در نامه‌ای از ارومیه، با تاریخ اول اکتبر ۱۹۱۷، خانم وایلدر پی. الیس، قضیه آتش زدن بازار ارومیه به دست روس‌ها و نیز خطرات قحطی قریب‌الوقوع را این طور شرح می‌دهد:

در ماه ژوئیه [۱۹۱۷] در پی اقدام وحشیانه چند سرباز روس، هیجان و التهاب شهر را فرا گرفت. ارزش روبل که پیوسته در حال کاهش بود، تقریباً به هیچ رسیده بود. گروهی از سربازان روس از این که با پولشان نمی‌توانستند چیزی تهیه کنند خشمگین بودند و وقتی با برخورد آزاردهنده چند تاجر بازار نیز روبرو شدند، از کوره در رفتند و بازار را آتش زدند. به زودی آتش همه جا را گرفت و تقریباً تمام بازار سوخت ... برای ما که ویرانه‌های دودآلود را تماشا می‌کردیم، صحنه‌ای فراموش‌نشدنی بود.

نویسنده سپس به شرح فاجعه‌ای که در راه بود می‌پردازد:

با رسیدن زمستان، جمعیت مردم گرسنه که در میدان شهر ما جمع می‌شوند انبوه‌تر می‌شود. زمستان سختی در پیش است. قیمت غله پیوسته از این برداشت به آن برداشت افزایش می‌یابد. قیمت غله در آغاز بالا بود و اکنون به قیمت‌های زمان قحطی رسیده است ... اکنون قیمت‌ها پنجاه درصد بالاتر از قیمت‌های همین فصل در سال قبل است. قیمت گندم پنج تا شش دلار برای هر بوشل است و روشن است که بیشتر هم خواهد شد. اگر کمک نرسد، قحطی تنها اتفاق پیش روی پناهندگان، کردها و مسیحیان است. بسیاری از مسیحیان و مسلمانان ساکن این شهر نیز تنها با کمک دوستان و همسایگانشان تأمین می‌شوند.

کشیش الیس در تلگرامی با تاریخ ۹ اکتبر ۱۹۱۷خطاب به کمیته امداد آمریکا در نیویورک چنین می‌نویسد:

اگر می‌شد آن صحنه‌هایی را که من امروز در مسجد اهل سنت در ارومیه دیدم، فقط برای ده ساعت عیناً به میدان مدیسون انتقال داد، هر روزنامه‌ای در آمریکا می‌توانست فجیع‌ترین صحنه جنگ را در جهان گزارش کند. آنگاه بلافاصله میلیون‌ها نفر، مستقیماً برای کمک‌رسانی روانه می‌شدند. پناهندگان کرد اهل روستاهای کوهستانی، محروم از خرمن آماده خود، بی‌سرپناه روی سنگ‌ها، با کهنه‌پارچه‌هایی وصف‌ناشدنی بر تن، گرسنه، مریض و کثیف، مردمانی هستند که مثل سگ‌های ولگرد شرقی بر سر دل و روده یک حیوان با هم می‌جنگند. کاری که تاکنون آمریکایی‌ها برای ارامنه، کردها، آسوری‌ها انجام داده‌اند یک پیروزی ملی است، اما نیاز گسترده همچنان ادامه دارد و امر غالب است.

خاطرات
مرضیه حدیدچی (دباغ) - ۳۲

فرماندهی سپاه همدان

شورایی برای تشکیل و تاسیس سپاه انتخاب شد که اغلبشان از برادرانی بودند که نامشان قبلا ذکر شد. سرانجام پس از ساعت‌ها جلسه و مذاکره و دیدار و ملاقات در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل، و اساسنامه مختصری برایش نوشته شد و هر یک از برادران هم مسئولیتی در آن به عهده گرفتند و آقای جواد منصوری به عنوان اولین فرمانده سپاه انتخاب شد. و پس از چندی طی حکمی به من ماموریت داده شد تا به همراه و با هماهنگی آقای لاهوتی نماینده امام در سپاه، مرحوم سماوات و آقای محمدزاده برای تشکیل سپاه غرب کشور اقدام کنیم.

پس از دریافت حکم، ما چهار نفر به کرمانشاه حرکت کردیم. در ابتدا آقای لاهوتی جایی را در محل مهمان‌سرای استانداری برایمان تدارک دیدند، و ما از همان جا برنامه‌های اولیه و کارهای مقدماتی را طراحی و شروع کردیم.

بایستی برای مناطق مختلف با لحاظ کردن اوضاع و شرایط سیاسی آن‌جا پنج نفر را برای شورای سپاه انتخاب می‌کردیم. برای این کار تحقیقاتی پنهانی از منابع مختلف مثل امامان جمعه و جماعت، مسئولان وقت کمیته‌ها و یا افرادی که می‌شناختیم و یا کسانی که از طرف دوستان مورد وثوق معرفی می‌شدند، بهره می‌گرفتیم. تعدادی که انتخاب می‌شدند باید در مرحله بعد به بحث و گفت‌وگوی عقیدتی و ایدئولوژی می‌نشستند و پس از تأیید هر چهار نفر ما به عنوان عضو شورای مرکزی سپاه منطقه مربوط معرفی می‌شدند.

در پاوه یکی از بچه‌های تهران را به عنوان فرمانده انتخاب کردیم و زیرمجموعه‌اش را هم خودش برنامه‌ریزی کرد. در ایلام نیز تقریبا به همین شکل عمل کردیم. بعد از استقرار سپاه در چند شهر، باید برای همدان حساب شده‌تر تصمیم می‌گرفتیم. سپاه همدان تقریبا مرکزیت سپاه غرب محسوب می‌شد. و سپاه شهرهای استان کردستان، کرمانشاه و ایلام، زیر نظر این سپاه بود. در این میان آیت‌الله مدنی پیشنهاد داد: «فعلا خود شما مسئولیت سپاه این‌جا [همدان] را به عهده بگیر، تا بعد ببینیم چه می‌شود.» آقای منصوری فرمانده کل سپاه نیز موافقت کرد. و من مسئولیتی سنگین را به عهده گرفتم.

پس از تصدی فرماندهی سپاه همدان، جلساتی برگزار کردیم و مشورت‌هایی انجام گرفت، برنامه‌ریزی‌ها شروع شد و با رایزنی‌ها و مشاوره‌های بسیار، تعدادی از برادران (حدود هفتاد نفر) را به سپاه جذب کرده به هر یک مسئولیتی واگذار کردیم. این برادران حزب‌اللهی و پرشور و گرم از افراد انقلابی و مسلمان شهر همدان بودند که هر آنچه داشتند در طبق اخلاص نهاده و به کمک انقلاب آمده بودند.

به یاد دارم یکی از کسانی که در همان نخستین روزها وارد سپاه شده بود، فردی بود که به نام شهید سماوات در بازار مغازه کمدسازی داشت ولی کارها را به شاگردانش سپرده بود و خود تمام و کمال در سپاه حضور داشت. و تا روز آخر یک ریال هم از سپاه حقوق نگرفت. برای عملیات، تحقیقات، امور اداری و پرسنلی و... افرادی را به کار گرفتیم که شاید بعضی از آنها کم‌تجربه بودند، اما به سرعت خود را با شرایط وفق داده و هم‌آهنگ کرده بودند و در آن زمینه‌ها متخصص شدند و اگر کسی با مشکلی و مسئله‌ای روبه‌رو می‌شد که از حل آن عاجز بود بی‌درنگ و بدون رودربایستی از سایر برادران خود کمک می‌گرفت. اصلا آنجا مسئولیت و سمت و جایگاه و درجه مطرح نبود فقط یک‌دلی و یک‌رنگی بود و همه کارها با توکل به خدا و با روحیه‌ای انقلابی پیش می‌رفت. واقعا آن روزها روزهایی آسمانی و خدایی بود.

یکی از محلات مناسب و مستعد برای فعالیت ضد انقلاب منطقه غرب کشور بود. از این رو ضد انقلاب و گروهک‌های خودباخته از همان بدو پیروزی انقلاب دشمنی و عنادشان را از آن جا آغاز کردند. این امر مسئولیت ما را برای مقابله با آسیب‌های به وجود آمده و نیز خطرهای احتمالی دوچندان می‌کرد. تمام برادران از بام تا شام در تلاش بودند تا امنیت منطقه را تأمین و در این راه بهای سنگینی هم پرداختند. اما به گنج باارزشی که همان روحیه ایثار، فداکاری، شهادت، دوستی و یک‌دلی و... بود، دست یافتند. آنها بی‌هیچ عذر و بهانه و بدون کم‌ترین توقع در فضایی کاملا دوستانه با امکانات محدود بر تک تک مشکلات فائق می‌آمدند. در گوشه گوشه شهر، از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب و نیز در حومه و اطراف آن پاسگاه‌هایی موقتی یا به عبارتی پایگاه‌هایی ایجاد شد تا ترددها و آمد و شدها در راه‌ها، گریزگاه‌ها و گلوگاه‌ها کنترل شود. اولیل، به خاطر حساسیت و بی‌ثباتی شهر، بیشتر شب‌ها نفرات پاس‌ها و محل‌ها را خودم مشخص می‌کردم، و سپس به آنها سر می‌زدم، گاهی اوقات تا اذان صبح بیدار بودم و شخصا به محل‌های برادران از پاسگاه تهران - همدان تا پاسگاه همدان-کرمانشاه سرکشی کرده دستورات لازم را می‌دادم، بعضی وقت‌ها سه بار از این طرف شهر به آن طرف شهر می‌رفتم، و معمولا پس از نماز صبح تا ساعت هشت فرصتی برای خواب و استراحت پیدا می‌کردم. راس ساعت هشت دوباره به امور روزمره می‌پرداختم.

*** سپاه همدان تقریبا مرکزیت سپاه غرب محسوب می‌شد. و سپاه شهرهای استان کردستان، کرمانشاه و ایلام، زیر نظر این سپاه بود. در این میان آیت‌الله مدنی پیشنهاد داد: «فعلا خود شما مسئولیت سپاه این‌جا [همدان] را به عهده بگیر، تا بعد ببینیم چه می‌شود.»**

*** پس از ساعت‌ها جلسه و مذاکره و دیدار و ملاقات در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل، و اساسنامه مختصری برایش نوشته شد و هر یک از برادران هم مسئولیتی در آن به عهده گرفتند و آقای جواد منصوری به عنوان اولین فرمانده سپاه انتخاب شد.**

صفحه پاورقی
روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

اجرائیه

مشخصات محکوم علیه: رضا حسن‌خانی نام پدر: غلامعلی نشانی محل اقامت: مجهول‌المکان
مشخصات محکوم له: سیدامیرحسین موسوی نام پدر: سیدجواد نشانی محل اقامت: همدان- مزدقینه- کوچه شهید بابارودی- کوچه سپیدار- منزل موسوی
محکوم به:
بموجب رای شماره ۹۵۰۰۰۰۳۰۲ تاریخ ۹۵/۱۱/۱۰ شعبه ۱۱۶ شورای حل اختلاف(و رای شماره- تاریخ- شعبه- دادگاه عمومی-) که قطعیت یافته است، محکوم علیه محکوم است به: پرداخت مبلغ ۱۳/۵۰۰/۰۰۰ریال به انضمام ۴۴۵/۰۰۰ ریال هزینه دادرسی بابت تمبر ابطالی و نیز مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان اجرت کارشناسی در حق محکوم له. ضمنا نیم عشر دولتی برابر مقررات برعهده محکوم علیه می‌باشد. به استناد ماده ۲۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب سال ۱۳۹۴ محکوم علیه مکلف است: پس از ابلاغ این اجرائیه ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد و یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به و یا انجام تعهد و مفاد رای بدهد و الا اقدامات لازمه قانونی معمول خواهد گردید.
م الف۹۶۴ **مسئول دبیرخانه شعبه ۱۱۶ شورای حل اختلاف همدان**

آگهی ابلاغ مفاد دادخواست و ضمائم

خانم نگین چهارلنگ قلی‌پور فرزند حیاتقلی با وکالت عبدالرضا الهایی دادخواستی بطرفیت محمدباقر حمادی‌پور فرزند - بخواسته مطالبه تقدیم کرده که به این شعبه ارجاع به شماره ۹۵۰۴۵۶/۱۲/۹۶ حقوقی به ثبت رسیده است حسب تقاضای نامبرده و اجازه محکمه مستندا به ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج و از نشر آگهی در روز چهارشنبه مورخ ۹۶/۳/۳۱ ساعت ۱۷/۳۰ در جهت دادرسی در شعبه شورای حل اختلاف مجتمع شماره دو حضور یابد و یا قبل از موعد مقرر به دفتر شعبه مراجعه و یا دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمائم هرگونه دفاع و پاسخی به دعوی مطروحه وارد قبل از جلسه دادرسی اعلام نماید. بدیهی است در صورت عدم حضور و یا عدم ارسال لایحه، دادگاه تصمیم مقتضی خواهد گرفت.
شعبه ۱۲ شورای حل اختلاف مجتمع شماره دو اهواز

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

در پرونده کلاسه ۹۶۰۰۲۰ این شعبه آقای سیامک مودتی یزدی دادخواستی به طرفیت آقای محمد موسی حسینی به خواسته الزام به تنظیم و انتقال سند ثبتی شماره ۱۱۷۹ الی ۱۱۸۲ مطرح نموده و دادگاه نیز به منظور استماع اظهارات اصحاب دعوی وقت رسیدگی مورخه ۹۶/۴/۳ ساعت ده صبح تعیین نموده است. با توجه به اینکه خوانده پرونده مجهول‌المکان می‌باشد لذا، بنا به درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
حسینی- مدیر دفتر شعبه دوم
دادگاه حقوقی شهرستان سنندج

آگهی ابلاغ وقت دادرسی به صباح کریمی فرزند یدالله

دادخواست کمال کریمی بطرفیت شما بخواسته الزام به فک پلاک به دادگاه تقدیم و به کلاسه حقوقی ۹۶۰۰۶۴ ثبت این شعبه شده است. نظر به اینکه خوانده مجهول‌المکان می‌باشد و بنا به درخواست خواهان و به دستور دادگاه مطابق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده از تاریخ نشر آگهی به مدت یک ماه به دفتر شعبه ششم حقوقی سنندج مراجعه و ضمن اعلام نشانی خود و دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمایم در روز ۱۳۹۶/۳/۳۱ ساعت ۱۰ صبح جهت رسیدگی در دادگاه حاضر شوید در صورت عدم حضور دادگاه غیابا رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد نمود.
رضایی - مدیر دفتر شعبه ششم
دادگاه عمومی سنندج

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول شرکت ساختمانی آوای خزر خرم‌آباد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۱۴۸

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که رأس ساعت ۱۶ عصر روز شنبه مورخه ۱۳۹۶/۳/۱۳ در محل دفتر شرکت به آدرس مازندران، تنکابن، خرم‌آباد، بلوار میرزا کوچک‌خان، نبش کوچه بسیج ساختمان رز ریحان طبقه اول، واحد ۱۰۴ تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند. به همراه داشتن برگ نمایندگی برای نمایندگان سهامداران الزامی است.
دستور کار مجمع: ۱- انتخاب اعضای هیئت مدیره ۲- انتخاب بازرسین ۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار ۴- سایر موارد
هیئت مدیره شرکت

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۰۱۸۰ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۷ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم آذر گردیان فرزند حسین بشماره شناسنامه ۵۱۳ و به شماره ملی ۳۹۶۱۶۴۲۱۴۱ صادره از نهاوند در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۳۹/۹۲ مترمربع قسمتی از پلاک- فرعی از ۴۷ اصلی بخش یک حوزه ثبتی نهاوند واقع در میدان شریعتی کوچه آقاسلیمان حقوق ارتفاقی ندارد جهت الحاق به بنای مفروزی سهم متقاضی خریداری از مالک رسمی آذر گردیان تصرفات مالکانه متقاضی نسبت به مورد تقاضا محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند در تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۳۹۶/۲/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: سه‌شنبه ۱۳۹۶/۳/۱۶
محمدعلی جلیلوند- رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند
م‌الف۱۱۸۷

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۰۱۸۶ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۷ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حمید ظفری فرزند قدرتاله بشماره شناسنامه ۵۰۳ و به شماره ملی ۳۹۶۰۹۴۰۰۲۵ صادره از نهاوند در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۵۴/۲۰ متر مربع پلاک ۷ فرعی از یک - اصلی بخش دو حوزه ثبتی نهاوند واقع در نهاوند آخر گل زرد پایین از چنار کوچه نیلوفر حقوق ارتفاقی ندارد.
خریداری از مالک رسمی براری سوری تصرفات مالکانه متقاضی نسبت به مورد تقاضا محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول - شنبه ۱۳۹۶/۲/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم - سه‌شنبه ۱۳۹۶/۳/۱۶
م الف ۱۱۸۲ **محمد علی جلیلوند**
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند

ابلاغ وقت دادرسی

خواهان عبدالرحیم داودپور دادخواستی به طرفیت خواندگان عبدالمحمد شیرازی و فاطمه قطب و رضا قطب به خواسته تنفیذ قرارداد یک سند عادی تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان اندیمشک نموده که جهت رسیدگی و بررسی نتیجه استملام به شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اندیمشک واقع در استان خوزستان- شهرستان اندیمشک- خیابان انقلاب- بلوار شهید رجایی- دادگستری شهرستان اندیمشک ارجاع و به کلاسه ۹۴۰۹۹۸۶۴۲۰۲۰۰۹۶۱ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۹۶/۳/۳۰ و ساعت ۹ صبح تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن خواندگان و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خواندگان پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
منشی شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی اندیمشک- صدیقه مهدیان‌پور

تاریخ انتشار آگهی: ۹۶/۲/۳۰
شرکت تعاونی مسکن شماره ۳ کارکنان دانشگاه تهران
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول این شرکت تعاونی که راس ساعت ۱۵/۳۰ روز یکشنبه مورخ ۹۶/۳/۲۱ در محل دفتر تعاونی مسکن شماره ۳ دانشگاه تهران به آدرس: بلوار کشاورز، خیابان وصال شیرازی، کوچه شاهد، پلاک ۸ واحد ۳ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانید.
لذا از کلیه اعضاء دعوت می‌شود با در دست داشتن کارت و یا دفترچه عضویت راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانید و یا وکیل/ نماینده خود را کتبا معرفی نمایید. همچنین به اطلاع می‌رساند تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر ۳ رای و هر شخص غیرعضو تنها یک رای خواهد بود و اعضای متقاضی اعطای نمایندگی، می